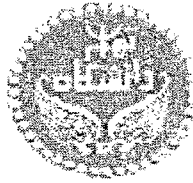




۹۸۸۸



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب

1357-1384

نگارش: سعید گلکار

استاد راهنما: دکتر محسن خلیجی

اساتید مشاور:

دکتر حمید احمدی

دکتر رحیم ابوالحسنی

رساله دکتری برای دریافت درجه Ph.D در رشته علوم سیاسی

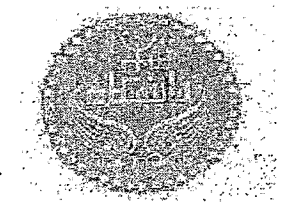
بهمن 1386

۹۸۵۸۸

کتابخانه اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی
تاسیس ۱۳۵۷

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۱

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۱



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه آموزشی علوم سیاسی

گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری: سعید گلکار

در رشته : علوم سیاسی

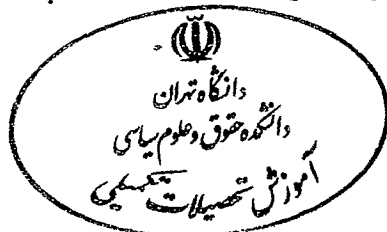
با عنوان : رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۱/۲۶ با درجه عالی ارزیابی نمود.

گرایش :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر محسن خلیجی اسکویی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر حمید احمدی	استاد	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر سید رحیم ابوالحسنی	استادیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر علیرضا ازغندی	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر هوشنگ مهدوی	استاد	دانشگاه امام صادق (ع)	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر سید حسین سیف زاده	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر سید حسین سیف زاده	استاد	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد



تقديم به آموزگاران سراسر زندگيم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

کلیات

ب	مقدمه
ت	اهمیت موضوع پژوهش
ث	اهداف پژوهش
ث	ادبیات موضوع پژوهش
خ	چارچوب نظری پژوهش سوال اصلی و فرضیه پژوهش
د	روش‌شناسی، روش تحقیق و روش گردآوری اطلاعات
ذ	سازماندهی تحقیق

فصل اول: چارچوب تئوریک پژوهش: ایدئولوژی و دستگاه ایدئولوژیک دولت

1	ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی
4	دولت و چهره ایدئولوژیک آن
4	تاریخچه ایدئولوژی: از دوتراسی تا تر پایان ایدئولوژی
11	تعریف ایدئولوژی
17	کارکردهای ایدئولوژی
20	کارکرد مشروعیت بخشی ایدئولوژی
22	کارکرد هویت بخشی ایدئولوژی
26	دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت
31	دانشگاه و کارکردهای آن
33	کارکردهای دانشگاه
34	کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه
34	کارکردهای سیاسی دانشگاه
36	دولت و دانشگاه
39	دانشگاه در دولتهای ایدئولوژیک
40	رسالت دانشگاه در نظام جمهوری اسلامی ایران

فصل دوم: دولت و دانشگاه در نظام پهلوي

45	رضا شاه، دانشگاه و توسلزي: 1313-1320
50	دولت و دانشگاه در دوران پهلوي دوم 1320-1357
50	دانشگاه و استقلال از دولت پهلوي: 1320-1332
55	دولت و کنترل مطلق بر دانشگاه: 1332-1342
58	کنترل دولت و مقاومت دانشگاه: 1342-1357
66	دانشگاه، سنگر مقاومت

فصل سوم: دولت و دانشگاه در ايران پس از انقلاب

72	دانشگاه از سنگر آزادي تا اتاق جنگ 1357-1358
76	انقلاب فرهنگي و تعطيلي دانشگاهها: آغاز موج اول اسلامي کردن دانشگاهها
81	تشکیل ستاد انقلاب فرهنگي: نهادينه کردن دانشگاه اسلامي
82	کميته اسلامي کردن دانشگاهها
87	شوراي عالي انقلاب فرهنگي و ادامه سياست اسلامي سازي دانشگاهها
91	دهه دوم انقلاب و آغاز موج دوم اسلامي سازي دانشگاهها
94	تاسيس شوراي اسلامي شدن مراکز آموزشي
96	ساختار شورا و اصول حاکم بر دانشگاه اسلامي
97	سياستهاي آموزشهاي ديني
99	سياستهاي راهبردي و اجرايي اسلامي شدن مراکز آموزشي
102	ستاد اقامة نماز در مراکز آموزشي
103	اصول و سياستهاي راهبردي وحدت حوزه و دانشگاه
105	سياستهاي ارتقاي فعاليتهاي فرهنگي در دانشگاهها
106	نتيجه گيري

فصل چهارم: نهادها و مکانيزمهاي فعال در امر اسلامي سازي دانشگاهها

130	مولفه دانشجويان
130	هيأت گزينش دانشجو
136	کنکور و اعمال سهميهها
140	کميته هاي انضباطي
145	هيأت گزينش استاد

150هیاتهای انتظامی اعضای هیات علمی
153تاسیس دانشگاههای خاص
155مولفه محیطهای آموزشی
155اسلامی سازی محیط دانشگاه
158جهاد دانشگاهی
163حراست
169نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه
171شورای فرهنگی دانشگاهها
181کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی
184کمیته ناظر بر تشکلهای دانشجویی
188بسیج دانشجویی
192مولفه متون محتوی آموزشی
195همکاری حوزه و دانشگاه و برنامه ریزی درسی
198شورای عالی برنامه ریزی
198دروس معارف اسلامی
199تاسیس مراکز انتشارات خاص
202مخازن ویژه

فصل پنجم: بررسی موفقیت یا عدم موفقیت دولت در تبدیل دانشگاه به دستگاه ایدئولوژیک دولت	
207نظام سیاسی، دانشگاه و انسان سازی
2091359-1368: دانشگاه دستگاه ایدئولوژیک دولت و جنبش دانشجویی بازوی اجرایی نظام
2151368-1372: دانشگاه دستگاه بوروکراتیک نظام : انفعال سیاسی
2181372-1376: دانشگاه و نوزائی مجدد دانشجویان
2221376-1380: دانشگاه و حمایت از اصلاحات
2281380-1384: دانشگاه : تعارض ایدئولوژیک با دولت
234ابعاد ناکامی دولت در امر اسلامی سازی دانشگاهها
234ناکامی در باز تولید مشروعیت دولت
235ناکامی در بعد هویت بخشی به دانشجویان
236هویت های جمعی مقاومت مبتنی بر تجدد
237لیبرالیسم به عنوان مبنای هویت جمعی مقاومت
239مارکسیسم: مبنای هویتی جدید دانشجویان

242	هویت های جمعی مقاومت مبتنی بر قومیت
242	جنبش هویت طلبانه دانشجویان آذربایجان
246	جنبش هویت طلبانه دانشجویان کرد
248	فرهنگ دانشجویی : فرهنگ علیه وضع موجود
249	فرهنگ مادی دانشجویان
251	فرهنگ غیر مادی دانشجویان

فصل ششم: دلایل عدم موفقیت نسبی دولت در تبدیل دانشگاه به دستگاه ایدئولوژیک

258	دولت ایدئولوژیک و مبانی تثبیت کننده آن
262	تضعیف چهره ایدئولوژیک دولت
262	پایان جنگ و ارتحال امام ره
265	خروج نیروهای چپ ایدئولوژیک از هیأت حاکمه
265	سطح اول: خروج نیروی چپ و رادیکال از کادر رهبری
266	سطح دوم: خروج نیروهای ایدئولوژیک از مدیریت میانی نظام
267	سطح سوم: خروج نیروهای ایدئولوژیک از دانشگاهها
270	فروپاشی بلوک شرق رشد گفتمان لیبرال و نقد ایدئولوژی در ایران
274	رشد کمی مراکز آموزشی و افزایش تعداد دانشجویان
281	استقلال دانشگاهها
285	جهانی شدن، جامعه اطلاعاتی و بحران دولتهای ایدئولوژیک
285	تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی: موتور محرکه جهانی شدن
286	جهانی شدن اقتصاد
288	جهانی شدن فرهنگ
290	جهانی شدن سیاسی
292	جهانی شدن و دولتهای ایدئولوژیک
293	جمع بندی و نتیجه گیری
299	منابع

کلیات

مقدمه:

بی اغراق می‌توان گفت که دانشگاه به عنوان یکی از نهادهای جامعه مدرن از آغاز تاسیس تاکنون نقش بسیار مهمی را در تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر بازی کرده است و به همین خاطر است، که یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی دولت، کنترل دانشگاه و استفاده از آن به عنوان یکی از دستگاه‌های ایدئولوژیک به منظور اجرای کارکردهای همچون مشروعیت بخشی به سیستم سیاسی، هویت‌یابی، حفظ همبستگی و تعارض‌زدایی بوده است.

در ایران پس از انقلاب نیز یکی از مهمترین فضاها برای که دولت سعی در کنترل و استفاده از آنها را داشته است، دانشگاهها بود. به همین دلیل، انقلاب فرهنگی با هدف تصفیه دانشگاهها از عناصر رژیم گذشته از دانشگاهها آغاز شد. اخراج برخی از اساتید و دانشجویان، تصفیه متون درسی، اضافه کردن متون اسلامی و تاسیس نهادها و رویه‌های جدید، همگی به منظور تصفیه دانشگاه، کنترل و تبدیل آن به دستگاهی ایدئولوژیک به منظور ترویج و گسترش ایدئولوژی نظام سیاسی جدید و انجام کارکردهای ایدئولوژیک مورد نظر آن بود. در واقع سالهای 1362-1359 را می‌توان دوره تاسیس نظام ایدئولوژیک در دانشگاهها نامید. در ادامه و پس از بازگشایی دانشگاه و در طی سالهای 62_68، دانشگاه تحت کنترل کامل دولت درآمده و توانست بخش عمده‌ای از کارکردهای ایدئولوژیک مورد نظر دولت را انجام دهد. با تضعیف وجه ایدئولوژیک دولت به واسطه پایان جنگ، ارتحال حضرت امام خمینی(ره) و... رابطه دولت و دانشگاه وارد مرحله جدیدی شد. علاوه بر این، رشد قارچ گونه دانشگاه‌های غیر دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، غیرانتفاعی و... و افزایش تعداد دانشجویان، در این دوره باعث ایجاد انقطاع احساسی و عاطفی بین برخی از دانشجویان و نظام سیاسی شد. این شرایط منجر به درخواست مقام رهبری در

خصوصاً اسلامی کردن مجدد دانشگاهها گشت. پیروزی محمد خاتمی در دوم خرداد سال 1376 نقطه عطف دیگری در رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب بود. از این مرحله به بعد ما شاهد شدت گرفتن انقطاع مورد بحث هستیم، به نحوی که برخی از مهمترین واکنش‌های اجتماعی - سیاسی در برابر دولت در این دوران در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد. چرا که در طی این سالها عملاً دولت در تبدیل دانشگاه به دستگاه ایدئولوژیک موفق نبود.

در همین بستر و به طور خلاصه، این پژوهش سعی در بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب و علل ناکارآمدی نسبی دولت در بهربرداری از دانشگاه به عنوان دستگاه ایدئولوژیک دارد.

اهمیت موضوع پژوهش:

مطالعه و بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب به دلایل زیر از اهمیت بسیاری برخوردار است. الف. دانشگاه‌ها یکی از مهمترین مراکز تحولات سیاسی - اجتماعی در ایران معاصر به شمار می‌روند و به همین دلیل دولت‌ها همیشه سعی در کنترل آن‌ها داشته‌اند. تاکیدات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در خصوص دانشگاه، مبین اهمیت این نهاد اجتماعی است. شاید به همین خاطر باشد که انقلاب فرهنگی نیز از دانشگاه آغاز شد و نماز جمعه تهران همچنان در دانشگاه برگزار می‌شود.

ب. اساتید دانشگاه و دانشجویان، یکی از مهمترین گروه‌های مرجع در جامعه ایران امروز بوده‌اند و به همین دلیل رفتار و تصمیمات آنها مورد توجه افشار دیگر جامعه قرار دارد.

پ. دانشجویان، نخبگان آینده نظام سیاسی محسوب می‌شوند و به همین خاطر دولت سعی وافری در مراقبت از آنها داشته است. پس اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که آینده نظام سیاسی بستگی به کیفیت تحول عقاید و ارزش‌های آنان و بخصوص در برابر ارزشهای رسمی دارد.

اهداف پژوهش:

اهداف این پژوهش به طور کلی عبارتند از:

- بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب
- بررسی علل کارآمدی و ناکارآمدی دولت در استفاده از دانشگاه به عنوان يك دستگاه ایدئولوژیک در

دوره های تاریخی مختلف در این دوران

• بررسی کارکردهای دانشگاه به عنوان دستگاه ایدئولوژیک دولتی در ایران پس از انقلاب

ادبیات موضوع پژوهش :

گرچه بحث رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب از اهمیت بسیاری برخوردار است اما متأسفانه آثار بسیاری در این حوزه وجود ندارد.

اولاً، بیشتر مطالعات انجام شده در باب دانشگاه، مطالعاتی است در راستای بهبود کارکردهای دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی و نقش آن در فرایندهای توسعه که در بیشتر این مطالعات دانشگاه به عنوان یک نهاد مستقل فرهنگی و آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد و به رابطه آن با دولت توجه نمی‌شود.

در بحث دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت در ایران پس از انقلاب می‌توان به برخی از مطالعات انجام شده اشاره کرد. برخی از این آثار توجه خود را معطوف به بررسی تلاش‌های دولتی برای برقراری نظم اسلامی در کل جامعه و کنترل افراد آن کرده (khosravi:2003) و گروهی دیگر متوجه اسلامی کردن زندگی خصوصی و تأثیر آن بر برخی از گروه‌های اجتماعی مانند زنان (poya:2001) بوده‌اند. برخی دیگر نیز به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چگونه دولت توسط دستگاه‌های ایدئولوژیک خود به جنگ ایران و عراق تقدسی ایدئولوژیک می‌بخشد (Gielsing:1999). در کنار این آثار، گروهی از پژوهش‌ها معطوف به نظام آموزشی در ایران بعد از انقلاب بوده‌اند. در این مطالعات، سعی شده است تا فرایند کنترل نظام آموزشی، اسلامی کردن و تبدیل آن به عنوان یک دستگاه ایدئولوژیک، چه در سطح دبستان (نقیسی: 1379) و چه در سطح دبیرستان (siavash:1996) مورد ارزیابی قرار بگیرد. اما نزدیکترین مطالعات به حوزه مورد بحث این پژوهش، مطالعاتی است که سعی در تحلیل اسلامی کردن دانشگاه به طور خلاصه (قیادی: 1379 و ذاکر صالحی: 1384) و یا برخی از حوزه‌های دانشگاهی همچون اقتصاد (Behdad: 2001) سیاست، (ازغندی: 1380)، پزشکی (1996 Restagar) و جامعه‌شناسی (mehdi:2003) (مهدی و لهرسانی‌زاده: 1375) داشته‌اند. نقطه قوت این آثار، تمرکز آنان بر حوزه محدود و نتیجتاً دقت آنهاست. اما در عین حال، این بررسی‌ها قادر به ارائه تصویری کلان از فرایندهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و تلاش دولت برای کنترل آنها در ایران بعد از انقلاب نیستند.

در کنار این آثار، مطالعات انجام شده توسط دفتر اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری همچون، آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران ... نگاهی کارکرد گرایانه و محافظه کارانه به تحولات فرهنگی در دانشگاه‌ها داشته و

بیشتر سعی در ارائه راهکارهایی برای ایجاد ثبات در دانشگاهها دارند، در ضمن اینکه نقش دولت در این بررسیها بسیار کم رنگ است.

در کنار این پژوهشها، ما با يك گستره وسیعی از آثار تاریخی در باب جنبش دانشجویی روبرو هستیم. آثاری لاتین در این باب بیشتر متعلق به اواخر دهه 1960 و اوائل دهه 1970، در اوج حرکت‌های دانشجویی در اروپا نوشته شده است. به طور مثال کتاب سیاست‌های دانشجویی (Califano:1970) به بررسی جنبش‌های دانشجویی در اروپا، ژاپن و جهان سوم اختصاص دارد و نویسنده سعی کرده است تا عناصر مشترک در جنبش‌های دانشجویی را مورد شناسایی قرار دهد و راهکارهای مناسبی جهت برخورد با این نوع جنبش‌ها ارائه دهد. گرچه بیشتر آثار غیر فارسی در این حوزه متعلق به دو و یا سه دهه گذشته است. اما این موضوع هنوز برای برخی از اندیشمندان غربی جذاب است. به طور مثال می‌توان به کتاب "مبارزه علیه وضع موجود" (فون دیرکه: 1997) اشاره کرد که به مبارزات دانشجویی در آلمان بین سالهای 85_1955 می‌پردازد. در این کتاب نویسنده از منظری فرهنگی و زیبایی‌شناختی، سعی در بررسی تقابل فرهنگ مسلط در جامعه آلمان با "فرهنگهای مخالف وضع موجود" و "خرده فرهنگ‌های" شکل گرفته در میان دانشجویان آلمانی دارد. در همین چارچوب نویسنده به تأثیرات، مکتب فرانکفورت و چپ نو بر این حرکت‌ها اشاره می‌کند.

آثار فارسی منتشر شده در این حوزه نیز، بیشتر روایت‌های تاریخی از تاریخ جنبش دانشجویی در ایران چه در داخل (باقی: 1379، کریمیان: 1381) و چه در خارج از کشور (متین: 1378، شوکت: 1378) هستند. در این میان برخی از آنان نیز به بررسی دلایل مذهبی شدن دانشجویان و نقش آنها در پیروزی انقلاب (خلجی: 1378) و یا حداکثر به نقش آنان در حادثه 2 خرداد 76 می‌پردازند (mehdi:1999، سفیری: 1378). به دنبال حادثه تیر 1378 نیز موجی از ادبیات بیشتر ژورنالیستی در باب جنبش دانشجویی شکل گرفت. (ایران فردا و گفتگو: 1378) در کنار مطالعات تاریخی از جنبش دانشجویی، برخی از مطالعات سعی در رفتارشناسی دانشجویان در ایران داشته‌اند. برخی از این آثار، مطالعاتی نظری درباره ریشه‌های فعالیت سیاسی دانشجویان می‌باشند (محمد حریری اکبری: 1350) و برخی دیگر سعی در ارائه تحلیل علمی در باب رفتارشناسی دانشجویان در ایران بعد از انقلاب دارند. (مجید محمدی: 1378، بشیریه 1376/9/18)

دسته دیگر مطالعات انجام شده در این باب، پایان نامه هائی است که به بررسی نهادها و تشکلهای دانشجویی در دانشگاهها پرداخته اند، در این بستر، می توان از پایان نامه های مانند " جایگاه و ساختار نهاد نمایندگی ولی فقیه و نقش آن در دانشگاهها" (غفور قهرمانی: 1379) و پایان نامه "نقش تشکلهای دانشجویی در تحولات ایران بعد از انقلاب" (محرر: 1384: در حال انجام) نام برد. این مطالعات ما را در بررسی بهتر رابطه دولت و دانشگاه در ایران بعد از انقلاب یاری خواهند کرد.

به طور خلاصه و علیرغم ارزشمند بودن کلیه آثار ذکر شده در بالا، انجام پژوهش مورد نظر همچنان ضروری به نظر می رسد چرا که اولاً پژوهشهای علمی در باب رابطه دولت و دانشگاه در ایران بعد از انقلاب بسیار محدود است و در ثانی، بیشتر تحقیقات انجام شده، جنبش دانشجویی در ایران پس از انقلاب را حداکثر تا سال 76 مورد بررسی قرار داده اند. در حالیکه سالهای بعد از 76 تاکنون، مهمترین دوره در تحول رابطه دولت و دانشگاه و شکلگیری واکنشهای فرهنگی، سیاسی در برابر کنترل قدرت دولتی در دانشگاهها است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در کنار این مسئله بیشتر آثار موجود روایتی تاریخی از جنبش دانشجویی بوده و علل تقابل دولت و دانشگاه را در سالهای اخیر مورد بررسی قرار نمی دهد.

چارچوب نظری پژوهش سوال اصلی و فرضیه پژوهش:

باتوجه به مطالب ارائه شده در قسمت بالا این پژوهش تلاش خواهد کرد تا به بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب و در بستر نظریات مربوط به ایدئولوژی و دستگاههای ایدئولوژیک بپردازد. چارچوب نظری متأثر از اندیشمندانی همچون التوسر خواهد بود.

لونی التوسر در مقاله ارزشمند خود " ایدئولوژی و دستگاههای ایدئولوژیک دولت" (Althusser:1971) و در بحث از چگونگی بازتولید روابط تولید میان دستگاههای سرکوب و دستگاههای ایدئولوژیک دولت تمایز میگذارد. از نظر او برخلاف دستگاههای سرکوب دولت (پلیس، دادگاههای و...) که با زور عمل می کنند، دستگاههای ایدئولوژیک مانند کلیسا، مدارس، دانشگاهها بیشتر با ایدئولوژی عمل میکنند، گرچه در این دستگاههای نیز زور به اشکال پنهانی و نمادین وجود دارد. او همچنین بر این باور است که در میان دستگاههای ایدئولوژیک متفاوتی که دولت در دنیای مدرن در اختیار دارد دستگاههای آموزشی (مدارس و دانشگاهها) از اهمیت بسیاری برخوردار

بوده و نقش اصلی را در درونی کردن سلطه و بازتولید روابط سلطه دارا می باشند. وظیفه اصلی این دستگاهها همانگونه که التوسر مورد تاکید قرار می دهد درونی کردن ایدئولوژی طبقات حاکم توسط طبقات فرودست و بازتولید روابط اجتماعی مبتنی بر سلطه میباشد. در همین رابطه برخی دیگر از متفکران کارکردهای دیگری را همچون حفظ و بازتولید مشروعیت دولت، حفظ و بازتولید هویت مخاطبان، حفظ همبستگی اجتماعی و کنترل افراد را از کارکردهای دیگر دستگاههای ایدئولوژیک دولت می دانند. (خسروی: 220:1383)

تلاش این دستگاهها برای اجرای کارکردهای خود منجر به شکلگیری مخالفتهای متفاوتی در برابر ایدئولوژی مسلط و نهادهای مروج این ایدئولوژی و در نهایت خود دولت خواهد شد. چرا که به بیان گروهی از پژوهشگران دولتهای ایدئولوژیک به واسطه بحرانهای ذاتی از جمله بحران مشروعیت، کارآمدی و در القای ایدئولوژی مورد حمایت خود ناکام میشوند.

در قالب این چارچوب نظری سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

- آیا دولت در تبدیل دانشگاه به عنوان یکی از دستگاههای ایدئولوژیک دولتی موفق بوده است؟
 - به چه دلایلی دولت نتوانسته است از دانشگاه به عنوان یک دستگاه ایدئولوژیک بهره برداری کند؟
- در کنار سوالات سوال فرعی زیر نیز قابل بحث است.
- دولت با چه روشها و از طریق چه مکانیسمهایی سعی در کنترل دانشگاه و تبدیل آن به یک دستگاه ایدئولوژیک داشته است؟

در پاسخ به سوالها بالا فرضیات زیر مطرح میشود:

در پاسخ به پرسش اول می توان گفت که در طی سالهای 1368-1362 و به واسطه کنترل فراگیر دولت دانشگاه تا حدود زیادی در اجرای کارکردهای خود به عنوان یکی از دستگاه ایدئولوژیک دولتی موفق عمل کرد. اما مابین سالهای 1376-1368 با تضعیف گفتمان اسلام گرایی ایدئولوژیک (به واسطه پایان جنگه فروپاشی بلوک شرق و تضعیف ایدئولوژی مارکسیستی) فشارهای ایدئولوژیک دولتی بر دانشگاهها کاهش یافت. در طی این دوران دولت دیگر در استفاده از دانشگاه به عنوان یک دستگاه ایدئولوژیک دولتی خیلی موفق نبود. دوم خرداد سال 1376 و پیروزی گفتمان اصلاحات و نقش دانشگاه در این تحولات یکی از نشانه های این ناکامی نسبی است.

بررسی تحولات دانشگاه در طی سال 1376 تا 1384 نشان میدهد که در این مقطع زمانی نه تنها دولت در بهره برداری از دانشگاه به عنوان یک دستگاه ایدئولوژیک نسبتاً ناکام مانده است بلکه دانشگاه، به قضائی برای ابراز مخالفت‌ها و انتقادهای برابر دولت و ایدئولوژی مورد حمایت آن تبدیل می‌گردد. علل این ناکامی عبارتند از: تضعیف گفتمان اسلام‌گرائی ایدئولوژیک، رشد بی‌رویه و کمی مراکز آموزش عالی و افزایش سریع دانشجویان، شکست ایدئولوژی مارکسیستی و فروپاشی بلوک شرق و جهانی شدن و گسترش ارتباطات فرهنگی.

روش‌شناسی، روش تحقیق و روش گردآوری اطلاعات:

انتخاب روش تحقیق و چارچوب روش‌شناسی ارتباط مستقیمی با موضوع مورد پژوهش دارد. به عبارت دیگر این موضوع پژوهش است که ما را ملزم به استفاده از یک چارچوب روش‌شناسی خاص و روش‌های مناسب تحقیق می‌کند.

بررسی دقیق موضوع این پژوهش یعنی « بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران بعد از انقلاب » نشان می‌دهد که در سطح روش‌شناسی، رهیافت‌های ترکیبی (استفاده همزمان از روش‌های کمی و کیفی در انجام یک پژوهش) برای اجرای این تحقیق مناسب‌تر است. استفاده از این رهیافت کمک خواهد کرد تا میزان اعتبار و دقت علمی این رساله افزایش یابد. (Silbergh: 2001:30) در بستر این

رهیافت از یک مجموع روش‌های کیفی که از رشته‌های متفاوت علوم اجتماعی انتخاب شده استفاده خواهیم کرد. روش‌های تحقیق کیفی که در این رساله برای بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران بعد از انقلاب مورد استفاده قرار خواهند گرفت عبارتند از روش‌های توصیفی و روش مشاهده همراه با مشارکت. برای انجام این پژوهش ما همچنین از اطلاعات و آمارهایی که توسط محققین و سازمانهای دولتی و نهادهای دانشگاهی جمع‌آوری شده است استفاده خواهیم کرد تا اعتبار تبیینهای خود را مورد آزمون قرار دهیم.

داده‌های این پژوهش (درجه اول و دوم) به وسیله تکنیکهای زیر گردآوری خواهد شد.

1. روش کتابخانه‌ای: در این روش از منابع کتابخانه‌ای، بویژه کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، منابع پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، کتابخانه دانشگاه تهران و منابع اطلاعاتی و پژوهشی دفتر اجتماعی وزارت علوم، پژوهش و فناوری، جهاد دانشگاهی، دفتر نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه استفاده خواهد شد.

2. روش مصاحبه باز: در این روش با گروهی از اساتید و دانشجویان و فعالان دانشجویی به صورت عمیق و باز مصاحبه خواهد شد.

3. استفاده از مشاوره نهادهای دولتی و خصوصی فعال در حوزه پژوهش و همچنین مکاتبه و مشاوره با محققان این حوزه.

4. استفاده از منابع اینترنتی، وبلاگ ها و وب سایت‌های دانشجویی

سازماندهی پژوهش :

پژوهش حاضر مشتمل بر شش فصل و یک بخش کلیات می باشد. فصل اول این پایان نامه به بررسی مفهوم ایندولوژی و تاریخچه و کارکردهای آن پرداخته و در ادامه دستگانه‌های ایندولوژیک دولت را با تأکید بر نظام آموزش عالی مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل دوم رابطه دولت و دانشگاه در عصر پهلوی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم این پژوهش نیز به بررسی این رابطه در نظام جمهوری اسلامی اختصاص دارد. در فصل مذکور تلاشهای بی وقفه نظام برای اسلامی کردن دانشگاهها در دو موج مورد بحث قرار می‌گیرد. در راستای همین هدف نهادها و مکانیزمهای مورد استفاده در دانشگاهها در فصل چهارم به بحث گذاشته شده است. فصل بعدی این تحقیق موفقیت و عدم موفقیت دولت در امر اسلامی کردن دانشگاهها در طی سه دهه گذشته مورد بحث قرار داده و سپس دلایل عدم موفقیت آن در فصل آخر مورد کاوش قرار می‌گیرد.

فصل اول: چارچوب تئوريك پژوهش

دولت، ايدئولوژي و دستگآههاي ايدئولوژيك دولت

دولت و چهره ایدئولوژیک آن

مقدمه:

چگونگی حفظ و باز تولید قدرت و سلطه حاکمان چه در وجه توصیفی و چه در وجه تجویزی آن یکی از مهمترین دغدغه‌های حوزه سیاست نظری و عملی بوده است. این سوال از یکسو ذهن حاکمان سیاسی را به خود مشغول می‌کند، چرا که پاسخ به آن می‌تواند، شیوه‌های حفظ و تداوم قدرت را به آنها بیاموزد، و از سوی دیگر ذهن مخالفان سیاسی را نیز متوجه خود می‌کند، چرا که با شناخت این شیوه‌ها و روش‌ها، آنان به طور موثرتری می‌توانند قدرت مسلط را به چالش بخوانند. شاید به همین دلیل است که در طی تاریخ چند هزار ساله اندیشه‌ورزی سیاسی، این سوال همچنان یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های متفکران این حوزه باقی مانده است.

در پاسخ به پرسش چگونگی حفظ و بازتولید قدرت و سلطه، اولین و بدیهی‌ترین پاسخ، استفاده از زور و اجبار است. به بیان دیگر اولین ابزار حفظ قدرت در دستان حاکمان استفاده از زور و اجبار عریان به منظور سرکوب و یا تهدید به سرکوب هرگونه مخالفتی با قدرت سیاسی حاکم است. اصولاً از آنجا که زور و اجبار اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین عنصر در حفظ و تداوم قدرت سیاسی است، تمامی قدرتمندان و حاکمان بلافاصله پس از کسب قدرت سعی در قبضه و کنترل انحصاری منابع زور و افزایش توان اعمال آن در دستان خود می‌کنند و از همین روست که با کوچکترین خلی در استفاده از زور و تاکارآمدی در اعمال آن، قدرت مسلط رو به فروپاشی می‌گذارد.

تقریباً تمامی متفکران سیاسی از دیرباز به حاکمان پیشنهاد کرده‌اند که برای حفظ و تداوم قدرت خویش باید به ابزارهای قهرآمیز مسلح شوند و تا می‌توانند قدرت فیزیکی و سخت‌افزاری خود را افزایش دهند. چرا که به بیان ماکیاوولی «همه پیامبران مسلح فاتح شده‌اند و همه بی سلاحان شکست خورده‌اند» (راسل: 1373: 697). به بیان دیگر بدون اعمال زور و اجبار حفظ قدرت و تداوم سلطه امکان‌پذیر نیست. این نکته ما را با چهره اجبارآمیز دولت آشنا می‌کند، چهره‌ای که معمولاً مخالفان و دشمنان رژیم‌های سیاسی با آن آشنا تر هستند. (بشیریه: 1374: 12). در این چهره از دولت، نهادهای متفاوتی مانند دادگاهها، نیروی پلیس، زندانها و... نقش اصلی را بر عهده دارند.

گرچه استفاده از زور و اجبار، اولین و بدیهی‌ترین شیوه در اعمال قدرت و حفظ سلطه است اما از آنجا که در بلند مدت و به واسطه پیامدهای منفی آن، همچون شکاکیت گسترده به قدرت (چاندر: 1377: 134) بالا بردن هزینه‌های حفظ و بازتولید قدرت، لزوم انتخاب دقیق نیروهای قابل اعتماد برای اعمال اجبار (بلاندل: 1378: 100)، نارضایتی گسترده در بین فرمانبرداران (راتی: 46: 1376) و به چالش کشیدن آسان آن (willhoite: 1988: 246) اعمال اجبار امکان‌پذیر نیست، حاکمان به ناچار، به سمت یافتن ابزارهای کم هزینه‌تر و بادوام‌تری می‌روند.

از همان آغاز تشکیل حکومت، فرمانروایان متوجه این نکته ظریف شده‌اند که توجیه حکومت و پذیرش این توجیه از طرف فرمانبرداران، از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که در صورت پذیرش سلطه آنها از طرف توده مردم امکان به چالش کشیدن این سلطه به شدت کم رنگ خواهد شد. از همین روست که اکثر متفکران سیاسی بر نقش عامل ذهنی و اولویت آن بر اعمال زور و خشونت عریان در حفظ قدرت تاکید داشته‌اند.

«اگر کسی تصور می‌کند که تیزه داران، تیراندازان، نگهبانان، دیده‌بانان و... حافظ و نگاهدارنده استبداد و جباران هستند، سخت در اشتباه است. این افراد بیشتر برای نمایش، مراسم تشریفاتی و قدرت‌نمایی به خدمت گرفته می‌شوند و به هیچ وجه ابزارهای حمایتی و ضامن استبداد نیستند... آنچه در حفظ قدرت حاکمان مهم است، تن دادن توده‌ها به اطاعت و انقیاد بر مبنای عادت و سنت و فریب توده‌ها توسط حاکمان و یا به عبارت دیگر ابزارهای غیر مادی قدرت هستند» (دولابوئی: 86: 1378).